

# پیامدهای نبود نظارت شرعی بر نظام بانکی ایران، دلالت‌های سیاستی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲

سیدعلی روحانی\*

سیدمهدی بنی‌طبا\*\*

## چکیده

«نظارت شرعی» در نظام بانکی به کلیه اقدامات نظارتی اطلاق می‌شود که به منظور حصول اطمینان از انطباق عملیات شبکه بانکی با شرع انجام می‌شود. نبود نظارت شرعی در شبکه بانکی می‌تواند موجب گرفتار شدن بانک‌ها و مشتریان در ورطه ربا یا بطلان عقود و به‌خطر افتادن روابط مالکیت در اقتصاد گردد. در ایران هرچند قانون عملیات بانکی بدون ربا از سال ۱۳۶۲ حاکم است، اما به دلیل نبود نهادها و استانداردهای مشخص برای نظارت شرعی، موارد متعددی از عدم انطباق عملیات، قراردادهای و روش‌های حسابداری بانک‌ها با شرع مشاهده می‌شود.

در پژوهش حاضر به روش تحلیلی - توصیفی، با واکاوی وضعیت موجود نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و تبیین ضعف‌های قانونی، نهادی و اجرایی در این حوزه، مهم‌ترین پیامدهای نبود نظارت شرعی تشریح می‌شود که عبارت‌اند از: عدم پابندی بانک‌ها به لوازم عقد و کالت و برخورد مالکانه با اموال و کالتی، محتوای از عقود مشارکتی و مبادله‌ای و استفاده صوری از آنها، عدم انطباق ضوابط حسابداری بانک‌ها در بخش ارزی و نیز صورت سود و زیان بر بانکداری بدون ربا. سرانجام با بررسی روند تحولات نهادی در معماری مالی اسلامی بین‌المللی، الگوهای نظارت شرعی در نظام بانکی کشورهای مختلف و استانداردهای بین‌المللی مرتبط با موضوع نظارت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی، پیشنهادهایی در زمینه تثبیت نظارت شرعی بر بانک‌ها و ارتقای جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** نظارت شرعی، بانکداری بدون ربا، عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای، حسابداری بانکی.

**طبقه‌بندی JEL:** G21, G28, K12, M48.

\*. دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه تهران و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس (نویسنده مسئول).

Email: s.ali.rohani@ut.ac.ir.

Email: smahdi.banitiba@elenoon.ir.

\*\* دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

## مقدمه

هنگام پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۳۶ بانک در کشور فعال بودند که همگی مطابق با بانکداری متعارف بر اساس قرض ربوی به تجهیز و تخصیص منابع می‌پرداختند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به موجب تبصره ۵۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۰ دولت موظف شد برای حذف ربا از نظام بانکی در کمترین زمان، مطالعه‌های لازم را انجام داده و لایحه مربوطه را به مجلس تقدیم نماید. در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۸ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در مجلس شورای اسلامی تصویب و شیوه تجهیز و تخصیص منابع در شبکه بانکی کشور بر اساس احکام شریعت اسلام تغییر یافت.

یکی از چالش‌های مهمی که نظام بانکی پس از این اصلاحات با آن روبه‌رو شد، مشکل غلبه دیدگاه فقهی صرف در حوزه تدوین مقررات، دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و عقود مرتبط با بانکداری اسلامی است. این نگاه صرفاً منجر به بی‌توجهی به اهداف، اصول و مبانی نظام اقتصاد و بانکداری اسلامی مانند عدالت، کارایی و تراضی شده است (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص ۳۵). فعالیت‌های اقتصادی عمدتاً تنها از جهت وجود ربا، غرر، اکل مال به باطل و ... بررسی شده‌اند؛ درحالی‌که باید به ابعاد دیگر مانند سازگاری با عدالت و اخلاق اسلامی نیز توجه ویژه شود (هادوی تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰). با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، از بانک و کارمندان آن خواسته شد که از ابتدای سال ۱۳۶۳ در جایگاه وکیل سپرده‌گذار به عنوان مبادله‌کننده و یا سرمایه‌گذار در بخش واقعی اقتصاد ایفای نقش کنند؛ ولی سازوکارهای لازم برای این تغییر نقش نظام بانکی تدوین نشد.

چالش مهم دیگر در خصوص اصلاحات انجام‌شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا، نظارت بر اجرای صحیح دستورالعمل‌ها و عقود طراحی شده این قانون و آیین‌نامه‌های ذیل آن است؛ بنابراین لازمه نظارت شرعی بر عملیات بانکی از یک‌سو طراحی سازوکارهای انگیزشی مناسب برای ایفای نقش بانک در نظام بانکداری بدون ربا و تدوین نظام حسابداری متناسب با آن است و از سوی دیگر نیز وجود سازوکارهای نظارتی مناسب برای تضمین اجرای نظامات فوق باید مدنظر قرار گیرد.

مقاله حاضر به بررسی هر دو جنبه بالا در نظام بانکی کشور پرداخته است. به این منظور پس از بیان اهمیت و ضرورت نظارت شرعی بانک مرکزی و نیز سطوح و مراحل

مختلف آن، به ابعاد قانونی این موضوع در ایران، از حیث وظایف تعیین شده برای مقامات پولی کشور و همچنین نهادهای طراحی شده به منظور نظارت شرعی پرداخته شده است و تبیین می‌شود که نظارت شرعی در ایران به لحاظ قانونی، نهادی و اجرایی ضعیف است. تمرکز مقاله بر مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از ضعف نظارت شرعی خواهد بود که عبارت‌اند از: عدم پایبندی بانک‌ها به لوازم عقد وکالت و برخورد مالکانه با اموال وکالتی، محتوای از عقود مشارکتی و مبادله‌ای و استفاده صوری از آنها، عدم انطباق برخی ضوابط حسابداری بانک‌ها در بخش ارزی بر بانکداری بدون ربا، وجود برخی نواقص در ضوابط حسابداری صورت سود و زیان بانک‌ها و نبود روش مناسب برای امهال و جریمه تأخیر تسهیلات. در نهایت با بررسی روند تحولات نهادی در معماری مالی اسلامی بین‌المللی، الگوهای نظارت شرعی در نظام بانکی کشورهای مختلف و استانداردهای بین‌المللی مرتبط با موضوع نظارت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی، پیشنهادهایی در زمینه تثبیت جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی و نظارت شرعی بر بانک‌ها ارائه شده است.

### اهمیت و ضرورت نظارت شرعی بانک مرکزی

منظور از نظارت شرعی، کلیه اقدامات احتیاطی و نظارتی به منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بانک یا مؤسسه مالی اسلامی با اصول و قوانین شریعت اسلام است. هدف از این نظارت در نهایت دستیابی به اقدامات، فعالیت‌ها، تدابیر، اصول و روش‌هایی است که به وسیله آنها بتوان ریسک شریعت در نظام بانکی و یا یک مؤسسه مالی اسلامی و یا بانک اسلامی را حداقل نمود و یا کاهش داد (AAOIFI, 2010, p.53). رابطه نظارت شرعی و نظارت متعارف بانکی رابطه مکمل است و نه جانشین؛ به عبارت دیگر نظارت شرعی، تقویت‌کننده نظارت بانکی متعارف است.

برخلاف حاکمیت قانون عملیات بانکی بدون ربا بر نظام بانکی ایران، در حال حاضر نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی، محدود به نظارت‌های مرسوم بین‌المللی از قبیل نظارت تطبیقی و نظارت احتیاطی است. در واقع بانک مرکزی از حیث شرعی هیچ‌گونه نظارت نظام‌مندی بر بانک‌ها اعمال نمی‌کند و درجه تعهد بانک‌ها به عملیات بانکی بدون ربا، هم در قراردادها و ضوابط حسابداری و هم در اجرا کاملاً مبهم و نامشخص است.

«گویی فرضی نانوخته در ذهن متصدیان بانکداری در کشور شکل گرفته و آن این است که تأیید قانون عملیات بانکی بدون ربا توسط شورای نگهبان، شرعی بودن فعالیت‌ها در عمل را نیز تضمین می‌کند و ضرورتی به نظارت بر آن نیست» (موسویان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۸).

این در حالی است که در شش مرحله موضوع مطابقت با شرع در نظام بانکی کشور متصور است و در هر یک از این مراحل ضروری است سازوکار نظارت شرعی شامل نهاد مسئول، ابزارهای نظارتی و رویه‌ها و استانداردهای نظارتی مشخص شود:

۱. تدوین قوانین پولی و بانکی توسط مجلس شورای اسلامی؛
۲. تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی توسط هیئت وزیران؛
۳. تدوین بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها توسط بانک مرکزی؛
۴. تدوین قراردادها یا اساسنامه‌های نمونه توسط بانک مرکزی؛
۵. تدوین بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های داخلی توسط بانک‌ها؛
۶. اجرای قوانین و مقررات مصوب و ابلاغی توسط شبکه بانکی.

در حال حاضر شورای نگهبان به صورت کلی و عمومی مانند سایر قوانین بر مطابقت قوانین پولی و بانکی با شرع نظارت می‌نماید؛ ولی سازوکار قانونی برای نظارت شرعی بر مصوبات هیئت دولت وجود ندارد و میزان انطباق این مصوبات با شرع در حوزه‌های مختلف نیازمند تأمل است. تمرکز مقاله حاضر بر نظارت شرعی بر عملکرد بانک مرکزی (موارد ۳ و ۴) و شبکه بانکی (موارد ۵ و ۶) خواهد بود.

### روش پژوهش و سؤالات تحقیق

مقاله حاضر به روش تحلیلی - توصیفی نگاشته شده و از نوع تحقیقات کاربردی است.

مهم‌ترین پرسش‌هایی که مقاله حاضر در صدد پاسخ به آنهاست عبارت‌اند از:

۱. آیا در قوانین و آیین‌نامه‌های پولی و بانکی کشور و نیز در ادبیات و تجربه بانکداری اسلامی دنیا به نظارت شرعی بر شبکه بانکی توجه شده است؟
۲. نبود یا ضعف نظارت شرعی بر شبکه بانکی در ایران، چه پیامدهایی در حوزه قراردادها و عقود بانکی و روش‌های حسابداری بانک‌ها داشته است؟

۳. تثبیت و ارتقای جایگاه نهادی نظارت شرعی در نظام بانکی مستلزم چه اصلاحاتی است؟  
به منظور پاسخ به پرسش‌های بالا، علاوه بر رجوع به منابع کتابخانه‌ای، از روش تحلیل اسناد حقوقی (قوانین و آیین‌نامه‌های بانکی، قراردادهای بانکی استاندارد و دستورالعمل‌های حسابداری ابلاغی بانک مرکزی) و اسناد مالی (صورت‌های مالی بانک‌ها و صورت‌های مالی بانکی استاندارد ابلاغی بانک مرکزی) استفاده شده است.

### وضع موجود نظارت شرعی بر شبکه بانکی

در ماده نخست قانون عملیات بانکی بدون ربا که تنها قانونی است که معطوف به ابعاد شرعی نظام بانکی نگاشته شده، صراحتاً بر اهمیت استقرار نظام پولی اسلامی تأکید شده و اولین هدف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران را «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل - با ضوابط اسلامی - به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» دانسته است. با توجه به این ماده می‌توان بانک مرکزی و ارکان آن را - به عنوان مقام سیاست‌گذار و ناظر نظام بانکی - مسئول عملکرد شرعی نظام بانکی دانست. برخلاف این تصریح، در مواد مرتبط با سیاست‌گذاری و نظارت بانک مرکزی در قانون مذکور، به نظارت شرعی اشاره‌ای نشده است و دخالت و نظارت بانک مرکزی در ماده بیست این قانون محدود به تعیین برخی نرخ‌ها و سهم‌ها شده است؛ به این ترتیب می‌توان گفت موضوع نظارت شرعی بر نظام بانکی - اعم از بانک مرکزی و شبکه بانکی - در قوانین مربوطه مورد غفلت واقع شده است.

بخش‌های نظارتی که در بانک مرکزی یا در بانک‌ها مستقر هستند، نه هدف اصلی خود را پیگیری اجرای بانکداری بدون ربا بر اساس شریعت مقدس اسلام قرار داده‌اند و نه اساساً از توانمندی و آموزش کافی به منظور انجام چنین نظارتی برخوردار بوده‌اند؛ لذا گرچه جمهوری اسلامی ایران از معدود کشورهایی است که در آن قانون عملیات بانکی بدون ربا به تصویب رسیده و تمامی مؤسسات بانکی بر اساس این قانون به فعالیت مشغول‌اند و بزرگ‌ترین بانک‌های جهان اسلام نیز در این کشور قرار دارند، اما وضعیت

نظارت شرعی بر نظام بانکی در ایران در گروه رویکردهای حداقلی\* - و حتی در سطحی پایین‌تر از اعضای این گروه - قرار می‌گیرد (موسویان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۶).

برخلاف این کاستی‌ها، از سال ۱۳۸۳ «شورای مشورتی بانکداری و مالی اسلامی» در پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی تشکیل و بعد از دو سال به وزارت اقتصاد منتقل شد. این شورا از سال ۱۳۸۸ با نام «شورای فقهی بانک مرکزی» به بانک مرکزی منتقل شد. این شورا جایگاه مشورتی داشته و فاقد شأن قانونی است و در دوره‌های مختلف با توجه به صلاحدید رئیس کل بانک مرکزی دچار قوت و ضعف شده است و بعضاً توان مقابله با برخی عملیات بانک مرکزی که از دید شورای فقهی مردود بوده - مانند انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی - را نداشته و ندارد؛ علاوه بر آن، شورای فقهی بانک مرکزی صرفاً در حوزه نظارت بر آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و قراردادهای نمونه که توسط بانک مرکزی تهیه می‌شود، فعالیت کرده و ابزارهای نظارتی لازم را برای نظارت بر تدوین بخشنامه‌های داخلی بانک‌ها و عملیات اجرایی آنها در اختیار ندارد.

در سطوح پایین‌تر نیز در سال‌های اخیر برخی از بانک‌ها - مانند ملی، کشاورزی، انصار، سرمایه، مهر اقتصاد و ... - به صورت خودجوش و بدون الزام از طرف بانک مرکزی اقدام به تأسیس شورای فقهی نموده‌اند. البته باید توجه داشت که شورای فقهی، باید واجد ویژگی‌هایی باشد تا بتواند امر نظارت شرعی را به‌نحو مطلوب انجام دهد؛ از جمله آشنایی با استانداردهای بین‌المللی بانکی و نظارت شرعی، داشتن حمایت کافی از سوی دولت و بانک مرکزی، استقلال - در ابعاد مختلف - از شبکه بانکی تحت نظارت.

از سوی دیگر با توجه به اینکه در سطح بین‌المللی در بیشتر کشورهایی که به بانکداری اسلامی توجه نموده‌اند، بانک‌های اسلامی در کنار بانک‌های متعارف و غیراسلامی به فعالیت مشغول هستند، فضایی رقابتی ایجاد می‌شود که در آن مؤسسات اسلامی مجبورند

\*. این در حالی است که رویکرد حداقلی در نظارت شرعی مخصوص کشورهایی است که در آن حجم عملیات بانکداری اسلامی، بخش کوچکی از کل فعالیت‌های بانکی را به خود اختصاص می‌دهد؛ مانند انگلستان و آمریکا؛ اما در کشوری مانند ایران که کل عملیات بانکی باید اسلامی باشد، به نظر می‌رسد رویکرد حداقلی در نظارت شرعی به‌هیچ‌وجه مناسب نبوده و لازم است به سمت سایر رویکردها جهت‌گیری شود.

اسلامی بودن عملکرد خود را به سهام‌داران و سپرده‌گذاران و مشتریان خود اثبات کنند؛ بنابراین به لحاظ درونی در رابطه با تشکیل شورای فقهی و درخواست از این شورا در رابطه با ارزیابی عملکرد مؤسسه و تهیه گزارش نظارت شرعی انگیزه دارند؛ اما متأسفانه در کشورهایی که نظام بانکداری اسلامی را به صورت عمومی اجرایی می‌کنند - مانند ایران و سودان - رقابتی بین بانک‌های اسلامی و متعارف وجود نداشته و لذا انگیزه کافی برای اثبات اسلامی بودن عملکرد به ذی‌نفعان وجود ندارد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷).

نظارت شرعی بر نظام بانکی برای نخستین بار در قانون برنامه ششم توسعه در سال ۱۳۹۵ مورد توجه قانونگذاران قرار گرفت. به موجب ماده ۱۶ این قانون:

برای حصول اطمینان از اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی کشور و جهت نظارت بر عملکرد نظام بانکی و اظهارنظر نسبت به رویه‌ها و ابزارهای رایج، شیوه‌های عملیاتی، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، چهارچوب قراردادها و نحوه اجرای آنها از جهت انطباق با موازین فقه اسلامی، شورای فقهی در بانک مرکزی با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱. پنج فقیه (مجتهد متجزی در حوزه فقه معاملات و صاحب‌نظر در مسائل پولی و بانکی)؛
۲. رئیس کل یا معاون نظارتی بانک مرکزی؛
۳. یک نفر حقوقدان آشنا به مسائل پولی و بانکی و یک نفر اقتصاددان (هر دو با معرفی رئیس کل بانک مرکزی)؛
۴. یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اولویت آشنایی با بانکداری اسلامی به انتخاب مجلس (به عنوان ناظر)؛
۵. یکی از مدیران عامل بانک‌های دولتی به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی.

مطابق تبصره‌های این ماده، اعضای فقهی این شورا به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید فقهای شورای نگهبان انتخاب می‌شوند و با حکم رئیس کل بانک مرکزی منصوب می‌شوند. همچنین در تبصره دیگر این قانون آمده است: «مصوبات شورای فقهی لازم‌الرعايه است. رئیس کل بانک مرکزی اجرای مصوبات شورا را پیگیری و بر حسن اجرای آنها نظارت می‌کند». دوره فعالیت اعضای صاحب‌رأی شورای فقهی چهار سال با قابلیت تمدید برای یک دوره دیگر تعیین شده است. جلسات شورای فقهی با حضور دوسوم اعضا مشتمل بر رئیس شورا و حداقل سه نفر از فقهای عضو شورا رسمیت می‌یابد

- و تصمیمات شورا با رأی موافق اکثریت فقهای حاضر عضو شورا اتخاذ می‌شود.
- اگرچه این مصوبه را می‌توان نقطه عطفی در نظارت شرعی بر نظام بانکی ایران دانست، ولی انتقاداتی به آن وارد است که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:
- در اهداف تشکیل شورای فقهی عباراتی نظیر «حصول اطمینان از اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی کشور و جهت نظارت بر عملکرد نظام بانکی» و «اظهارنظر نسبت به ... نحوه اجرای آنها از جهت انطباق با موازین فقه اسلامی» آمده است که مستلزم ایجاد ساختاری ذیل شورای فقهی و درون شبکه بانکی کشور است.
  - ممکن است در مواقعی بین ارکان بانک مرکزی و شورای فقهی اختلاف نظر وجود داشته باشد - مشابه امکان اختلاف نظر بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان -؛ ضروری است برای چنین مواقعی تدبیری اندیشیده شود؛ در غیر این صورت ممکن است نظرات مخالف شورای فقهی، پاسخگویی بانک مرکزی را تحت الشعاع قرار دهد.
  - انتخاب اعضای فقهی شورای مزبور به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و انتصاب ایشان با حکم وی، منجر به وابستگی شورای فقهی به بانک مرکزی می‌شود و آزادی عمل این شورا را مخدوش خواهد کرد و موجبات تعارض منافع اعضای فقهی را به وجود خواهد آورد.
  - با توجه به اینکه ممکن است برخی بانک‌ها به صورت داوطلبانه شورای فقهی تشکیل دهند، لازم است بر این نکته تأکید شود که به دلیل ممانعت از ایجاد تعارض منافع، اعضای شورای فقهی بانک مرکزی نمی‌توانند همزمان در شورای فقهی بانک‌ها عضویت داشته باشند.
  - حضور یکی از مدیران عامل بانک‌های دولتی در ترکیب شورای فقهی بلا توجیه است و حضور نماینده بخش تحت نظارت در شورای فقهی که شأن نظارتی دارد، می‌تواند منجر به تعارض منافع شود. در صورت لزوم شورای فقهی می‌تواند هر یک از مدیران یا کارشناسان بانکی را جهت تبیین مسائل و مشکلات و ارائه راه‌حل‌ها به جلسات شورای فقهی دعوت نماید.



- با توجه به اینکه تصمیمات شورا با رأی موافق اکثریت فقهای حاضر عضو شورا اتخاذ می‌شود، سایر اعضا اعم از رئیس کل یا معاون نظارتی بانک مرکزی به عنوان عضو ناظر تلقی می‌شوند؛ لذا تأکید بر عضو ناظر بودن نماینده مجلس شورای اسلامی ناصحیح است.
- در مصوبه مزبور در ارتباط با عزل اعضای شورای فقهی و نیز در خصوص نحوه تشکیل جلسات شورای فقهی حکمی در نظر گرفته نشده است. شاید به همین دلیل با گذشت بیش از یک سال از تصویب این قانون، کماکان اعضای شورای فقهی نامعلوم است و جلسات این شورا تشکیل نشده است.

### پیامدهای نبود نظارت شرعی

بررسی بیش از سه دهه تجربه اجرای بانکداری بدون ربا در کشور نشان‌دهنده این مطلب است که وجود برخی از چالش‌ها، مشکلات و عدم انطباق‌های شرعی در فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی کشور تا حدودی منجر به همگرایی و مشابهت نظام بانکداری بدون ربا در ایران با نظام بانکداری ربوی گردیده است و به عبارت دیگر نظام بانکداری اسلامی در کشور در برخی موارد عملکردی شبه ربوی پیدا کرده است که نه با موازین اسلامی در حوزه اقتصاد و مالی سازگاری دارد و نه حتی با موازین اقتصاد و مالی متعارف (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۳۷)؛ از این رو وضع موجود اجرای بانکداری بدون ربا در کشور با وضع ایدئال بانکداری اسلامی فاصله دارد. نبود سازوکارهای اجرایی نمودن قانون و عدم تدوین نظام حسابداری متناسب با بانکداری بدون ربا در کنار فقدان نهاد مسئول نظارت شرعی، مهم‌ترین علل انحراف فعلی هستند. در واقع عدم تدارک الزامات فرایندی و نهادی لازم برای اجرای بانکداری بدون ربا و همچنین برخی کاستی‌های موجود در قانون سبب شده است تا تصویب این قانون نتواند تحول‌چندانی در نظام بانکی ایجاد کند و بانک‌ها عمدتاً فعالیت‌های گذشته خود را به صورت صوری در قالب یکی از عقود اسلامی انجام دهند. در این بخش با تمرکز بر قراردادهای استاندارد و ضوابط حسابداری بانک‌ها به مهم‌ترین مشکلاتی که عمدتاً ریشه در نبود نظارت شرعی بر شبکه بانکی دارند، پرداخته می‌شود.

## ۱. عدم پابندی بانک‌ها به لوازم وکالت و برخورد مالکانه با اموال وکالتی

سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها مبتنی بر عقد وکالت است، نه عقد قرض. با این وجود تا سال ۱۳۹۵ و ابلاغ صورت‌های مالی استاندارد توسط بانک مرکزی، به دلیل نبود شیوه‌های حسابداری مناسب، با این دسته از سپرده‌ها دقیقاً مشابه سپرده‌های قرضی برخورد می‌شد و اصل و سود این دسته از سپرده‌ها در ستون بدهکاری بانک - در ترازنامه - و جزء هزینه‌های سرمایه به ثبت می‌رسید (میسسی و قلیچ، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

بانک‌ها در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار وکیل سپرده‌گذاران هستند تا سپرده آنها را به صورت مشاع همراه با منابع بانک در قالب تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها هزینه کنند و سهم سپرده‌گذاران از منافع حاصله را پس از کسر حق‌الوکاله بانک بین سپرده‌گذاران تقسیم نمایند؛ بنابراین بانک نمی‌تواند برای هیچ یک از سپرده‌گذاران رقم از قبل تعیین شده‌ای را به عنوان سود تضمین نماید. در واقع اعلام رقم سود علی‌الحساب و پرداخت آن به این معنی است که سود قطعی در پایان دوره محاسبه می‌شود و مابه‌التفاوت این دو صلح شده و یا پرداخت می‌گردد؛ لذا در صورتی که سود قطعی بانک محاسبه نشود یا مابه‌التفاوت سود قطعی و علی‌الحساب صلح یا پرداخت نگردد، هم مبلغ مابه‌التفاوت که نزد بانک مانده و هم مبالغی که به عنوان سود علی‌الحساب پرداخت شده، شبهه‌ناک خواهد بود.

در چنین شرایطی رقابت بین بانک‌ها بایستی بر سر کاهش نرخ حق‌الوکاله و افزایش نرخ سود قطعی پرداخت‌شده در دوره‌های گذشته باشد؛ ولی کمتر شاهد چنین رقابتی هستیم و مؤسساتی که حتی نرخ حق‌الوکاله و سود قطعی پرداخت‌شده در دوره قبل را اعلام و تبلیغ کنند، معدودند. در واقع «بانک‌ها ضمن سوءاستفاده از نرخ سود علی‌الحساب، این نرخ‌ها را محلی برای رقابت با یکدیگر قرار داده‌اند و متأسفانه در بسیاری از موارد، این نرخ‌ها قطعی تلقی گردیده و مبنایی برای تسویه می‌گردد» (موسویان و میسسی، ۱۳۹۳، ص ۴۳). این شواهد مبین این واقعیت است که بانک‌ها در عمل به عنوان وکیل سپرده‌گذاران عمل نمی‌کنند، بلکه آنان خود را مالک سپرده‌ها قلمداد می‌کنند و نرخ سود را به عنوان هزینه جذب سپرده به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند، نه بر اساس سود واقعی حاصل از به‌کارگیری سپرده‌ها (اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵). در واقع ظاهر این عمل مشابه قرض

ربوی بین سپرده‌گذار و بانک است و بانک‌ها بر سر نرخ بهره - که در ظاهر نرخ سود علی‌الحساب اطلاق می‌شود - با هم به رقابت می‌پردازند.

البته باید توجه داشت که عقد قرض، عقد قصدی است و باید قصد قرض در سپرده‌گذار و بانک توأمان وجود داشته باشد تا معامله فوق در واقع ربوی باشد؛ اما در بیشتر موارد، حتی اگر مشتری نیز قصد قرارداد قرض داشته باشد، کارگزار بانک مطابق قرارداد قصد می‌نماید و قصد توأمان برای قرض محقق نشده و لذا قرض ربوی در واقع محقق نمی‌شود؛ اما در این صورت نیز - یعنی در صورت عدم قصد توأمان برای قرض ربوی - به دلیل عدم تطابق قصد طرفین، شبهه بطلان قرارداد وجود خواهد داشت.

## ۲. محتوای از عقود مشارکتی و استفاده صوری از آنها

عقود مشارکتی بخشی از عقود اسلامی هستند که مبتنی بر مشارکت بانک با گیرنده تسهیلات در سود (زیان) فعالیت است و به همین خاطر در مقایسه با فعالیت متعارف بانک‌ها ریسک بالایی دارد (Sarker, 2004, p.2). اگر بانک‌ها بخواهند این ریسک را به‌درستی مدیریت نمایند، ناگزیر باید در انتخاب طرح‌ها و پیشبرد آنها تا مرحله بهره‌برداری و پس از آن، به وسیله کارشناسان باتجربه نظارت و کنترل کنند و این امر به صورت طبیعی با توجه به محدود بودن توان کارشناسی بانک و نبود نهادهای تخصصی مشاوره و ارزیابی طرح‌ها و تعدد پروژه‌ها، برای بانک‌های تجاری غیرممکن است و هزینه عملیات اعتباری آنها را به شدت افزایش می‌دهد (عقیلی کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۲)؛ از سوی دیگر ممکن است متقاضیان تسهیلات قصد فریب بانک و شریک کردن بانک در زیان احتمالی پروژه پرریسک خود را داشته باشند؛ لذا ورود به قرارداد مشارکت برای بانک ممکن و مطلوب نبوده است؛ بنابراین اگرچه ممکن است عقدهای مشارکتی، موضوع اولیه قرارداد بانکی باشد، اما بانک‌ها در زمان انعقاد قرارداد حداقل سود مورد انتظار خود را پیش‌بینی و در تاریخ سررسید از مشتری مطالبه می‌کنند. در این صورت عقد مشارکتی در عمل به عقدی با بازده ثابت تبدیل شده است (رزمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱)؛ علت این است که فقط قراردادهای مبادله‌ای با ماهیت بانک‌های تجاری سازگار است؛ در نتیجه کلیه عملیات و قراردادهای

بانک‌های تجاری به سمت قراردادهای معاملاتی سوق داده می‌شوند و از به‌کار بستن قراردادهای مشارکتی که ریسک بالاتری دارند، باز می‌مانند (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

تغییر ماهیت عقود مشارکتی در قراردادهای این عقود نیز منعکس شده است؛ برای نمونه بر اساس ماده هشتم قرارداد نمونه مضاربه (بخشنامه شماره ۹۴/۲۴۹۶۰۱ بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۰۲)، عامل مکلف به تضمین اصل سرمایه مضاربه شده است. همچنین بر اساس مواد ده، یازده و دوازده این قرارداد، در صورت عدم پرداخت وجوه در سررسید مقرر یا تخطی عامل از مفاد قرارداد، عامل مکلف به پرداخت وجه التزام تأخیر تأدیه دین یا خسارت با نرخ معادل شش درصد به علاوه نرخ سود مورد انتظار که در ماده سیزده قرارداد به آن تصریح شده است، خواهد بود.

از سوی دیگر نیز در قرارداد نمونه عقد مشارکت مدنی (بخشنامه شماره ۹۲/۲۰۶۵۴۶ بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۱)، موارد متعدد اشکالات فقهی وجود دارد که مجموعه آنها منجر به محتوایی از عقود مشارکت مدنی شده است (نظریور و ملاکریمی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷). بانک‌ها با استفاده ناصحیح از عقد صلح، حقوقی را که در عقود اسلامی برای دریافت‌کننده تسهیلات تعریف می‌شود، به‌طور کامل از بین می‌برند؛ به‌نحوی که هم بانک و هم مشتری از ابتدای معامله از اینکه مشارکت به صورت واقعی انجام نخواهد شد و وام‌گیرنده مجبور است نرخ سود مشخص و معینی را به بانک تحویل دهد، مطمئن هستند. برای مثال در ماده یازده این قرارداد آمده است:

شریک با امضای این قرارداد متعهد گردید مدیریت منابع و مصارف موضوع مشارکت را به‌نحوی که انجام رساند که در پایان دوره مشارکت، سهم‌الشرکه متعلقه بانک/ مؤسسه اعتباری به علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت، اعلامی از سوی شریک، مندرج در برگ درخواست تسهیلات مورخ ... به حساب بانک/ مؤسسه اعتباری منظور گردد. در غیر این صورت شریک ملتزم و متعهد گردید سهم‌الشرکه متعلقه بانک/ مؤسسه اعتباری به علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت و ضرر و زیان وارده به بانک/ مؤسسه اعتباری را صلح و تبرعاً از اموال خود تأمین و پرداخت نماید.

در واقع طی این بند شریک اصل و سود قرارداد مشارکت مدنی را تضمین نموده است که خلاف مقتضای مشارکت است. به بیان نمایندگان اقتصاددان مجلس، «این همان کارکرد ربوی پول است که به دلیل پیچ و خم دادن به آن، هزینه را بالا برده‌اند».\* همچنین در ماده دوازده این قرارداد آمده است: «در صورتی که به هر دلیل اعم از رکود، سانحه و ... موضوع مشارکت به فروش نرفته باشد به قیمت روز یا قیمت مورد موافقت بانک توسط شریک شخصاً خریداری خواهد شد». انجام این کار گرچه شاید به لحاظ فقهی و بر اساس جایز بودن صلح ابتدایی در فقه شیعی فاقد اشکال باشد، اما با اهداف شارع مقدس در وضع عقود مشارکتی و مطرح ساختن حقوقی برای طرفین آن در تعارض است. از بین بردن حقوق سرمایه‌گذاران در صورتی که به رویه‌ای عمومی و قاعده‌ای برای نظام‌سازی تبدیل گردد، به غیرواقعی شدن عملکرد نظام بانکداری اسلامی از دید ناظر بیرونی و همگرایی هرچه بیشتر این نظام با نظام بانکداری متعارف منجر می‌گردد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۳۹).

از میان عقود مشارکتی، تنها عقد مشارکت حقوقی است که ماهیت خود را حفظ کرده است (موسویان، ۱۳۸۱، ص ۷۷)؛ زیرا تنها در این عقد است که شراکت به معنای واقعی محقق می‌شود و همچنین بانک می‌تواند نظارت بر حسن اجرا را به شرکای دیگر که توان نظارتی بیشتری دارند بسپارد؛ به همین دلیل به نظر می‌رسد تا زمانی که شیوه عملیاتی مناسب برای اجرای عقد مشارکت مدنی و مضاربه طراحی نشده، بهتر است به عقد مشارکت حقوقی اکتفا شود.

معضل دیگر در خصوص عقود مشارکتی، ناظر به حسابداری سود حاصل از این عقود است. در حال حاضر مبلغ یا نرخ سود مندرج در قرارداد برای شناسایی درآمد به روش تعهدی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به ماهیت عقود مشارکتی و نامعلوم بودن نرخ سود تحقق‌یافته در این عقود، تغییر این روش و تدوین استانداردهای حسابداری متناسب با ماهیت عقود مشارکتی ضروری به نظر می‌رسد (امانی، ۱۳۸۵، ص ۴۳).

\*. نامه سیزده نماینده اقتصادی مجلس به رئیس‌جمهور مورخ ۹۴/۰۲/۰۸.

توضیح آنکه دستورالعمل‌های حسابداری عقود اسلامی در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ توسط شورای عالی بانک‌ها تصویب شد. رویکرد دستورالعمل‌های مذکور عمدتاً مبتنی بر شناسایی درآمد عقود اسلامی همزمان با وصول اقساط می‌باشد (روش نقدی در شناسایی درآمد)؛ اما در استانداردهای حسابداری ایران، روش مجاز شناسایی درآمد، روش تعهدی است. به نظر برخی صاحب‌نظران، سیستم حسابداری و گزارشگری مالی تعهدی، برای قراردادهای با نرخ معین (عقود مبادله‌ای) مشکلی ندارد؛ اما این سیستم از قابلیت‌های لازم برای اجرای قراردادهای دارای سود نامشخص (عقود مشارکتی) به دلیل پیچیدگی و مشکلات محاسبه سود مبتنی بر نتایج واقعی عملکرد، برخوردار نیست و به محاسبه درست سود ناشی از این عقود منجر نمی‌شود (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۱، ص ۱۶۳).

### ۳. محتوای از عقود مبادله‌ای و استفاده صوری از آنها

در آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا برخی از عقود مبادله‌ای مانند فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، به صورت محدود تعریف شده بود که بسیاری از نیازهای مردم را شامل نمی‌شد. همین مسئله یکی از مهم‌ترین علل توسعه فاکتور صوری بوده است. در الحاقیه‌هایی که در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۱ انجام شد، محدوده شمول تسهیلات فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک وسعت یافت. همچنین با اضافه شدن عقود مرابحه، استصناع و خرید دین در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه، این مشکل کم‌وبیش حل شد و در حال حاضر عقود مبادله‌ای بخش زیادی از نیازهای آحاد مختلف مردم اعم از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را پاسخ می‌دهد.\*

اگرچه مشکل تعریف محدود عقود مبادله‌ای تقریباً برطرف شده است، ولی کماکان پدیده فاکتور صوری وجود دارد و تعداد زیادی از عقود بانکی به صورت صوری اجرا می‌شود (موسویان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۸). یکی از علل بروز تسهیلات مبادله‌ای صوری این است که برای بانک و کارمند آن تفاوتی بین عقود وجود ندارد و چیزی که مهم است

\*. برای نمونه عقد مرابحه بر اساس آیین‌نامه فصل سوم قانون شامل «مواد اولیه، لوازم یدکی، ابزار کار، ماشین‌آلات، تأسیسات، زمین و سایر کالاها و خدمات مورد احتیاج این واحدها و نیازهای خانوارها برای تهیه مسکن، کالاهای بادوام و مصرفی و خدمات» می‌شود.

نرخ سود تسهیلات است؛ به همین دلیل کارمندان بانک تلاشی برای معرفی عقود و مشاوره به تسهیلات‌گیرنده برای انتخاب مناسب‌ترین عقد نمی‌کنند و همچنان عناوین محدودی را به عنوان تسهیلات مبادله‌ای ارائه می‌کنند؛ برای نمونه با وجود ظرفیت گسترده عقد جعاله برای پوشش هزینه انواع خدمات، برخی بانک‌ها فقط برای تعمیر مسکن از آن استفاده می‌کنند و در مواردی مانند درمان، آموزش و ... از آن استفاده نمی‌شود.

اجرای صحیح عقود اسلامی در نظام بانکی نیازمند آن است که کارکنان بانک‌ها اصول مالی اسلامی و همچنین تعاریف و ماهیت عقود بانکی را به‌درستی درک کرده (فهم) و بتوانند آن را با بیانی ساده به سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان توضیح دهند (تفہیم). متأسفانه در حال حاضر در برخی موارد نه سپرده‌گذاران و نه سرمایه‌گذاران و بعضاً حتی کارمندان و مدیران بانک درک مشخصی از رابطه حقوقی فرد با بانک در عقود مختلف نداشته و نقل و انتقال وجوه تنها محدود به امضای چند قرارداد گردیده است. این مسئله موجب تشکیک در صحت شرعی اجرای قراردادهای بانکی می‌شود؛ زیرا در قراردادهای شرعی دو طرف باید از مفاد قرارداد اطلاع داشته باشند و تطابق قصد طرفین برقرار باشد. این در حالی است که «برآوردها نشان می‌دهد که در بیش از نیمی از قراردادهای رسمی منعقدہ بانک با مشتریان در قالب عقد‌های مبادله‌ای و مشارکتی از جهت ماهیت موضوع قرارداد، زمان بازپرداخت قرارداد و تعیین اوصاف اساسی موضوع قرارداد ابهام وجود دارد (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶).

تغییر ماهیت عقود مبادله‌ای در قراردادهای این عقود نیز منعکس شده است؛ برای نمونه مطابق ماده چهار قرارداد نمونه سلف (بخشنامه شماره ۹۴/۳۴۷۱۷۲ بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۷): «بانک حق اختیار فروش کالای موضوع این قرارداد را به فروشنده در سررسید تحویل به مبلغ ... دارد». از آنجاکه در انتهای دوره بانک امکانات لازم برای تحویل گرفتن مال و فروش آن را ندارد، بانک مشتری را وکیل در فروش مال می‌کند و به دلیل عدم نظارت عملاً به حداقل سود معین‌شده رضایت می‌دهد. آنچه در عمل رخ می‌دهد این است که بانک وجهی را در اختیار مشتری قرار می‌دهد و در سررسید، مشتری اصل مبلغ به همراه سود تعیین‌شده آن را بازپرداخت می‌کند.

در قرارداد جعاله نیز برخلاف اینکه بر اساس بخشنامه ۳۰۱۵/۶۸ مورخ ۱۳۶۵/۸/۱۸، واگذار کردن انجام عملیات جعاله به جاعل از طرف بانک منع شده است، ولی به دلیل اینکه بانک‌ها تمایلی به درگیر شدن در بخش حقیقی اقتصاد ندارند، مشتری را وکیل در انجام عمل می‌کنند و به بازگشت اصل مبلغ جعاله به همراه حداقل سود معین اکتفا می‌کنند. در واقع دو جعاله موازی اتفاق می‌افتد: جعاله اول به صورت نسیه و از طرف مشتری به بانک واگذار می‌شود و جعاله دوم به صورت نقد و از طرف بانک به مشتری واگذار می‌شود.

#### ۴. عدم انطباق برخی ضوابط حسابداری بانک‌ها در بخش ارزی بر بانکداری بدون ربا

ضوابط حسابداری و قراردادهای عملیات بانکی مربوط به حوزه ریالی بانک به گونه‌ای طراحی شده است که در عمل، هم بانک‌ها و هم تسهیلات‌گیرندگان انگیزه بالایی برای خروج از چارچوب قراردادها دارند و این امر موجب محتوای از عقود مشارکتی و مبادله‌ای شده است. با وجود این، متن قراردادها و نیز استانداردهای حسابداری مربوطه به شکلی طراحی شده است که عدم تعارض آنها با ضوابط بانکداری بدون ربا روی کاغذ و به طور نسبی قابل دفاع است؛ به بیان دیگر تفکیک درآمدهای مشاع از غیرمشاع در صورت سود و زیان و ضوابط مربوط به محاسبه حق الوکاله بانک، به گونه‌ای نگاشته شده که واجد مفاهیم «شریک بودن سپرده‌گذار در سود و زیان بانک» و نیز «وکیل بودن بانک نسبت به سپرده‌های مردم» است. همچنین متن قراردادهای عقود مبادله‌ای و مشارکتی نیز به گونه‌ای نوشته شده است که ظاهراً مغایرت صریح با ضوابط بانکداری بدون ربا ندارد.

به منظور قضاوت درباره انطباق یا عدم انطباق عملیات ارزی بانک‌ها بر موازین و ضوابط بانکداری بدون ربا لازم است ساختار صورت‌های مالی بانک - به طور خاص، صورت سود و زیان - بررسی شود. در واقع، نحوه ورود درآمد حاصل از اعطای تسهیلات ارزی و نیز سود پرداخت شده به سپرده‌گذاران ارزی، تعیین‌کننده ربوی یا غیرربوی بودن عملیات ارزی بانک‌هاست. صورت سود و زیان بانک‌ها نشان می‌دهد سود حاصل از اعطای تسهیلات ریالی بانک - اعم از مبادله‌ای و مشارکتی - به عنوان درآمدهای مشاع تلقی شده و پس از کسر حق الوکاله بانک، میان بانک و سپرده‌گذاران توزیع می‌گردد؛ به این



ترتیب بر اساس استانداردهای حسابداری بانکی، اولاً بانک وکیل سپرده‌گذاران - در سپرده‌های سرمایه‌گذاری - تلقی شده و ثانیاً سود پرداختی به سپرده‌گذاران در طول سال، به عنوان سود علی‌الحساب بوده و در انتهای سال و پس از بسته‌شدن صورت‌های مالی و محاسبه سود قطعی بانک، سهم بانک و سهم قطعی سپرده‌گذار مشخص می‌گردد. هرچند در عمل ممکن است در بسیاری از سال‌ها سود قطعی بانک - از محل درآمدهای مشاع - صفر یا منفی نشان داده شود و عملاً سپرده‌گذار مبلغی بابت مابه‌التفاوت سود علی‌الحساب و قطعی دریافت نکند، اما «روی کاغذ» ضوابط عملیات بانکی بدون ربا رعایت شده است. از آنجاکه ماهیت سپرده‌گیری و تسهیلات‌دهی در حوزه ریالی و ارزی مشابه است، انتظار می‌رود قراردادهای مربوطه و همچنین ضوابط حسابداری دو حوزه ریالی و ارزی نیز تا حدود قابل توجهی مشابه یکدیگر باشد. این در حالی است که مراجعه به صورت‌های مالی بانک‌ها (صورت سود و زیان)، خلاف این مسئله را نشان می‌دهد.

در حوزه عملیات ارزی، سود حاصل از اعطای تسهیلات ارزی بانک‌ها به اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی، در بخش درآمدهای غیرمشاع منظور می‌گردد - در برخی بانک‌ها تحت یک ردیف مستقل با نام «سود تسهیلات اعطایی ارزی» و در برخی دیگر ذیل ردیف‌های «سود و وجه التزام» یا «سایر درآمدهای غیرمشاع»<sup>\*</sup> بر این اساس سپرده‌گذاران ارزی، سهمی در سود حاصل از اعطای تسهیلات ارزی توسط بانک ندارند؛ هرچند که این تسهیلات از محل سپرده‌های ارزی آنها پرداخت شده است. این بدان معنی است که در مورد سپرده‌های ارزی، بانک «وکیل» سپرده‌گذاران تلقی نشده، بلکه «مالک» سپرده‌های ارزی در نظر گرفته شده است. چنین تلقی از سپرده‌گذار و بانک، همسو با بانکداری بدون ربا نیست و انطباق کامل با بانکداری متعارف (ربوی) دارد.

از سوی دیگر سود پرداختی به سپرده‌گذاران ارزی در بخش «هزینه‌ها» در صورت و زیان لحاظ می‌شود - در برخی بانک‌ها تحت یک ردیف مستقل با نام «سود سپرده‌های ارزی» و در برخی دیگر ذیل ردیف «سود پرداختی» - این امر بدین معنی است که سود

\*. البته باید توجه داشت که سود حاصل از تسهیلات ارزی بانک با سود حاصل از معاملات ارزی متفاوت است و مورد دوم در اینجا مدنظر نمی‌باشد.

پرداختی به سپرده‌گذار به عنوان «هزینه» تلقی شده، نه «سود علی‌الحساب پرداختی به سپرده‌گذار». در واقع، در صورتی که بانک خود را وکیل سپرده‌گذاران ارزی بداند، باید سود پرداختی به آنها را «علی‌الحساب» تلقی کند و در انتهای سال با محاسبه سود قطعی حاصل از عملیات ارزی و کسر حق‌الوکاله، مابه‌التفاوت سود قطعی و علی‌الحساب را به ایشان پرداخت نماید. این در حالی است که «هزینه» تلقی کردن سود اعطایی به سپرده‌گذاران ارزی و عدم محاسبه سود قطعی عملیات ارزی و تسویه مابه‌التفاوت سود علی‌الحساب و قطعی، شباهت زیادی به شیوه عمل در بانکداری ربوی دارد و در صورتی که سود قطعی عملیات ارزی از سود پرداختی به سپرده‌گذاران بیشتر باشد، مطابق قرارداد وکالت، سپرده‌گذاران کماکان از بانک طلبکار خواهند بود و تسویه انجام نخواهد شد.

شایان گفتن است که همین مشکل در صورت‌های مالی نمونه (استاندارد) نیز که در پایان سال ۱۳۹۴ توسط بانک مرکزی ابلاغ شد، به شکل واضح‌تری وجود دارد (روحانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۶-۱۹). در مجموع شواهد دال بر این است که در حوزه عملیات ارزی بانک‌ها، هم در نحوه محاسبه سود سپرده‌های ارزی و هم در نحوه ورود سود سپرده‌ها و تسهیلات ارزی در صورت‌های سود و زیان بانک‌ها، منطبق بر استانداردهای بانکداری متعارف (ربوی) عمل می‌شود. گویی عملیات ارزی بانک‌های ایرانی، با وجود قراردادن در محدوده قوانین جمهوری اسلامی، خارج از شمول قانون عملیات بانکی بدون رباست.

##### ۵. نواقص ضوابط حسابداری صورت سود و زیان بانک‌ها

«اجرای صحیح بانکداری بدون ربا در کشور منوط به اصلاح معیارهای حسابداری متعارف می‌باشد؛ به‌نحوی که با نیازها و عملیات‌های خاص بانک‌های اسلامی متناسب گردد» (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۴۳). نبود ضوابط حسابداری متناسب با قانون عملیات بانکی بدون ربا ریشه بسیاری از معضلات بوده و یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن، عدم وحدت رویه در ارتباط با محاسبه سود تحقق‌یافته سپرده‌های سرمایه‌گذاری است.

در سال ۱۳۹۴ بانک مرکزی با هدف تهیه صورت‌های مالی استاندارد و بهبود گزارشگری در افشای اطلاعات و ایجاد قابلیت مقایسه در صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، صورت‌های مالی نمونه مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری

مالی (IFRS) را به بانک‌های دولتی، غیردولتی و مؤسسات اعتباری ابلاغ کرد (بخشنامه شماره ۳۴۳۷۲۳/۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵). این بخشنامه علاوه بر تبعات مثبت در حوزه نظارت متعارف بانکی، دستاوردهای مطلوبی در راستای ایجاد وحدت رویه در محاسبه سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری با اضافه کردن صورت سپرده‌های سرمایه‌گذاری داشت. یکی دیگر از نقاط مثبت این بخشنامه، تعیین مصادیق درآمدهای مشاع و غیرمشاع است. مطابق این بخشنامه سود سپرده‌گذاری نزد سایر بانک‌ها که قبل از آن توسط اغلب بانک‌ها به عنوان درآمد غیرمشاع طبقه‌بندی می‌شد و لذا سهم سود سپرده‌گذاران را کاهش می‌داد، به عنوان درآمد مشاع طبقه‌بندی شد. همچنین جایزه سپرده قانونی که قبلاً به‌طور کلی به عنوان درآمد مشاع طبقه‌بندی می‌شد بر اساس ترکیب سپرده‌های مالکیتی و وکالتی به دو بخش درآمد مشاع و غیرمشاع تقسیم شد.

۱۰۵

برخلاف دستاوردهای قابل توجه، نقاط ضعفی نیز کماکان در این بخشنامه وجود دارد که یکی از آنها احتساب وجه التزام اعتبارات اسنادی و وجه التزام بدهکاران ضمانت‌نامه‌های پرداخت‌شده به عنوان درآمد غیرمشاع است (بخشنامه شماره ۳۴۳۷۲۳/۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ بانک مرکزی (صورت‌های مالی بانک نمونه)، ص ۵۲). این در حالی است که اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌ها، مادامی‌که پرداخت نشده‌اند جزء اقلام زیرخط هستند و کارمزد دریافتی بانک جزء درآمدهای غیرمشاع محسوب می‌شود؛ ولی به محض نکول متعهد و پرداخت توسط بانک، از آنجاکه از منابع سپرده‌ای در این راستا استفاده می‌شود، درآمد حاصل از وجه التزام باید به عنوان درآمد مشاع شناسایی شود.

## ۶. نبود روش مناسب برای امهال و جریمه تأخیر تسهیلات

یکی از مشکلات مزمن نظام بانکی کشور نبود روش مناسبی برای مسئله بازپرداخت مطالبات بانک‌ها و تمدید زمان بازپرداخت تسهیلات بانکی است (اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵/ موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۴۴). اگرچه موضوع جریمه تأخیر همواره موضوع بحث فقهی - حقوقی بوده است، ولی تاکنون کمتر به مسئله امهال تسهیلات توسط بانک‌ها از دریچه فقهی نگاه شده است. از آنجایی‌که ماهیت امهال تسهیلات، اعطای فرصت بیشتر از طرف بانک به تسهیلات‌گیرنده در ازای پرداخت مبلغ بیشتر است، در قالب هیچ یک از

عقود مصرح در قانون عملیات بانکی بدون ربا نمی‌گنجد و شباهت زیادی به ربای جاهلی دارد. ربای جاهلی در اصطلاح فقهی عبارت است از افزودن در حق (دین) در ازای افزودن طرف دیگر به موعد ادای آن؛ مانند آنکه کسی کلایی را نسبه بخرد و با رسیدن موعد پرداخت بهای آن، از فروشنده بخواهد در ازای افزایش بهای کالا، زمان پرداخت آن را به تأخیر بیندازد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۱۲۱).

نبود راه‌حل فقهی برای امهال تسهیلات در حالی است که به گفته وزیر امور اقتصادی و دارایی، شصت تا هفتاد درصد تسهیلات پرداختی بانک‌ها در سال‌های اخیر، استمهال تسهیلات قبلی بوده است.<sup>\*</sup> انگیزه بانک‌ها برای امهال تسهیلات، تغییر ترکیب طبقات دارایی بانک به صورت غیرواقعی جهت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول کمتر است. البته گفتنی است در برخی سال‌ها مانند سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ امهال تسهیلات بانکی در بندهای ۲۸، ۲۹ و ۱۶ قوانین بودجه سنواتی کشور ذکر شد و بانک‌ها مجاز به امهال بخشی از تسهیلات شدند.<sup>\*\*</sup> در این احکام قانونی نیز ابهام در خصوص عقد فقهی که امهال تسهیلات در چارچوب آن انجام شود، وجود داشت.

### بررسی تجربیات جهانی در موضوع نظارت شرعی بر بانک‌ها

دارایی‌های مالی اسلامی طی یک دهه اخیر دارای نرخ رشد دو رقمی بوده است و از حدود ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ به رقم ۱۸۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رسیده است. البته علی‌رغم این میزان رشد، دارایی‌های مالی اسلامی در کشورهای عضو شورای همکاری

\* سخنرانی در همایش «همدلی و هم‌زبانی، رونق اقتصادی و اشتغال» که در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۲۸ در اتاق بازرگانی برگزار شده است (روزنامه دنیای اقتصاد، مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۹).

\*\* متن بندهای ۲۸، ۲۹ و ۱۶ قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ (با اختلافات جزئی): به منظور حمایت از تولید و اشتغال، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی پس از تأیید هیئت‌مدیره بانک با درخواست متقاضی، اصل و سود اعم از سود قبل و بعد از سررسید تسهیلات ریالی یا ارزی سررسید گذشته و معوقه پرداختی به اشخاص حقیقی و یا حقوقی بابت فعالیت در امور تولیدی صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی را که در بازپرداخت اقساط تسهیلات دریافتی به دلایل موجه دچار مشکل شده‌اند و قادر به پرداخت اقساط تسهیلات دریافتی نیستند، برای یک‌بار و تا پنج‌سال تقسیط و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند.

خلیج فارس (Gulf Cooperation Council (GCC))، ایران و مالزی متمرکز شده است و کمتر از یک درصد از کل دارایی‌های مالی جهان را تشکیل می‌دهد. همچنین نرخ رشد دارایی‌های مالی اسلامی در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ در اغلب کشورهای دارای نظام مالی دوگانه (کشورهایی که توأمان دارای نهادهای مالی اسلامی و متعارف هستند، از جمله اندونزی، قطر، پاکستان، ترکیه، مالزی، عربستان، امارات و کویت)، در مقایسه با نرخ رشد دارایی‌های مالی متعارف، به میزان قابل توجهی بیشتر بوده است (Kammer, et al., 2015). در سال ۲۰۱۳ حدود هشتاد درصد از دارایی‌های مالی اسلامی مربوط به بانک‌ها بوده و بانکداری اسلامی در سال ۲۰۱۴ در حدود ده کشور دارای اهمیت سیستمیک\* بوده است که عبارت‌اند از: ایران و سودان (صد درصد)، عربستان و بروئنی و کویت (چهل تا پنجاه درصد)، مالزی، قطر، امارات، یمن و بنگلادش (بین پانزده تا سی درصد) (IFSB, 2015).

یکی از چالش‌های بانک‌های اسلامی، مربوط به تضمین تطبیق شریعت است. مقررات‌گذاران لزوماً همیشه توانایی (علاقه‌مندی) لازم را برای تضمین اینکه بانک دارای چارچوب مناسب برای تطبیق شریعت باشد، ندارند. آنها همچنین مسئولیت ارزیابی اینکه مشاوران شریعت در بانک‌ها مناسب و شایسته باشند را نمی‌پذیرند. از سوی دیگر نیز تفاوت‌های موجود در تفسیر شریعت می‌تواند منجر به ازمیان‌رفتن هماهنگی داخلی و خارجی و پیرو آن کاهش اعتماد به صنعت بانکداری اسلامی شود. توصیه مشترک IFSB و AAOIFI، تأسیس یک شورای مشورتی شریعت مستقل در سطح بانک است که بر فرایندهای داخلی بانک از بُعد شرعی نظارت داشته باشد. البته وجود یک شورای شریعت مرکزی برای تضمین سازگاری رویکردهای اتخاذشده در بانک‌ها بسیار مفید است و تعداد روزافزونی از کشورها - از جمله بحرین، اندونزی، مالزی، مراکش، نیجریه، عمان، پاکستان و سودان - در حال حرکت در این جهت هستند. به منظور دستیابی به سازگاری میان کمیته‌های شریعت، علاوه بر وجود شورای شریعت مرکزی، الزامات دیگری نظیر

\* طبق تعریف IFSB، بخش مالی اسلامی در یک کشور زمانی «دارای اهمیت سیستمیک» (systemically important)

محسوب می‌شود که مجموع دارایی‌های بانکی اسلامی بیش از پانزده درصد از کل دارایی‌های بخش بانکی داخلی آن کشور باشد و یا دارایی‌های بانکی اسلامی آن کشور حداقل پنج درصد از کل دارایی‌های بانکی اسلامی سراسر جهان باشد.

استانداردهای حسابداری مناسب برای استانداردسازی سیاست‌های درون بانک‌های اسلامی، ضروری است (Kammer, et al., 2015).

در سطح بین‌المللی، در راستای توسعه نظام مالی مبتنی بر ضوابط اسلامی، اقدامات فراوانی طی حدود نیم قرن اخیر صورت گرفته است. توسعه نظام مالی اسلامی در جهان با تأسیس مؤسسات مالی در کشورهای اسلامی نظیر مصر، امارات، ایران، مالزی، سودان و عربستان و فراهم‌نمودن بسترهای قانونی فعالیت مالی اسلامی در این کشورها طی سه دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ آغاز شد. از دهه ۱۹۹۰ تأسیس نهادهای بین‌المللی نظیر AAOIFI به منظور هماهنگی و هم‌افزایی فعالیت‌های مؤسسات مالی اسلامی و تدوین استانداردهای حسابداری و نظارتی این مؤسسات آغاز شد. این روند در دهه ۲۰۰۰ با تأسیس "GCIBF" (General Council for Islamic Banks and Financial Institution)، "IIFM" (International Islamic Financial Market)، "IIRA" (Islamic International Rating)، "IFSB" (Agency)، "LMC" (Liquidity Management Centre)، "IICRCA" (International Inspection, Cleaning and Restoration Council of Associations)، "IICRCAARCIFI" (Arbitration and Reconciliation Centre for Islamic Financial Institutions) با سرعت قابل توجهی ادامه یافت (Zulkhibri & Ghazal, 2012, p.10).

### ۱. الگوهای نظارت شرعی سایر کشورها

بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف، در تعامل با بانکداری متعارف به شیوه‌های گوناگونی اجرا شده است. در برخی کشورها بر اساس قوانین اساسی، نظام بانکداری باید کاملاً اسلامی باشد؛ به این معنی که بانکداری متعارف امکان فعالیت در این کشورها را ندارد (نظام بانکداری اسلامی خالص (Pure Banking System)). در برخی کشورها بسترهای قانونی برای فعالیت بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف وجود دارد؛ به این معنی که هر دو نوع بانکداری دارای قوانین و مقررات ویژه خود هستند (نظام بانکداری دوگانه (Dual Banking System)). در برخی از کشورها نیز هرچند قوانین خاص برای فعالیت بانک‌های اسلامی وجود ندارد، ولی در چارچوب قوانین بانکداری متعارف،

مقرراتی طراحی شده که امکان فعالیت بانک‌های اسلامی را فراهم می‌نماید (نظام بانکداری موازی (Parallel Banking System)) (Ibid, 2012, p.13).

جدول ۱: نگاه کلی بر انواع نظام‌های بانکداری اسلامی

کشورهایی که بر مبنای قانون اساسی آنها لازم است نظام بانکی کاملاً اسلامی باشد: مانند ایران، سودان، پاکستان (۱۹۸۵ تا ۲۰۰۱).	نظام بانکداری خالص
کشورهایی که قوانین خاص برای ایجاد امکان بانکداری اسلامی دارند: مانند مالزی، برونی، اندونزی.	نظام بانکداری دوگانه
کشورهایی که فاقد قوانین خاص برای ایجاد امکان بانکداری اسلامی هستند؛ اما مقررات یا نظارت‌های خاصی در چارچوب مقررات عمومی بازارهای مالی برای تأمین مالی اسلامی دارند: مانند عربستان سعودی، امارات، کویت، پاکستان (بعد از ۲۰۰۱)، اردن، بحرین، سنگاپور و انگلستان.	نظام بانکداری موازی

۱۰۹

بررسی تجربه کشورهای اسلامی - شامل عربستان سعودی، مالزی، اندونزی، بحرین، امارات متحده عربی، کویت و قطر - که اقدام به تأسیس بانک‌ها و مؤسسات اسلامی نموده‌اند، به وضوح نشان می‌دهد که تقریباً در تمامی کشورهای اسلامی مقوله نظارت شرعی بر مؤسسات مالی اسلامی وجود دارد - حداقل وجود شورای فقهی در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی - بررسی تجربه کشورهای غیراسلامی - مانند انگلستان و آمریکا - نیز نشان می‌دهد در این دسته از کشورها - علی‌رغم اختلافات قانونی و تفاوت در نحوه مواجهه بانک مرکزی با نظارت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی - تقریباً تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی یا به تأسیس شورای فقهی اقدام نموده‌اند یا از شورای فقهی سایر مؤسسات مالی اسلامی درخواست نموده‌اند که مقوله نظارت شرعی آنها را بر عهده گیرد. تجربه نظارت بر شرعی بودن عملکرد مؤسسات مالی اسلامی در کشورهای اسلامی و غیراسلامی در سه گروه رویکرد حداقلی، رویکرد حداکثری و رویکرد میانی قابل دسته‌بندی است (جدول دو) (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

جدول ۲: انواع رویکردهای موجود در مسئله نظارت شرعی

انواع رویکردها	کشورهای متعلق به هر رویکرد	شاخص‌های کشف رویکرد
رویکرد حداقلی	عربستان، انگلستان، آمریکا	نبود قانون واحد اختیاری بودن نظارت شرعی نبود نهاد نظارتی مرجع در مسئله نظارت شرعی
رویکرد میانی	کویت، قطر	وجود قانون واحد اجباری بودن نظارت شرعی نبود نهاد نظارتی مرجع در مسئله نظارت شرعی
رویکرد حداکثری	مالزی، اندونزی، بحرین، امارات	وجود قانون واحد اجباری بودن نظارت شرعی وجود نهاد نظارتی مرجع در مسئله نظارت شرعی

از منظر نهادی نیز دو مدل برای نظارت بر بانک‌های اسلامی وجود دارد. در برخی کشورها نظیر عربستان سعودی، ایتوپیی، قزاقستان، کنیا، کویت، قطر، تونس، ترکیه، امارات متحده عربی و انگلستان، هم بانک‌های اسلامی و هم بانک‌های متعارف، تحت نظارت یک مقام ناظر واحد هستند؛ اما در برخی کشورها مانند بحرین، اندونزی، اردن، لبنان، پاکستان و سوریه، نظارت بانکی توسط دو واحد نظارتی مستقل درون یک مقام نظارتی انجام می‌گیرد (Mejía, et al, 2014, p.20).

## ۲. استانداردهای بین‌المللی نظارت شرعی

صنعت بانکداری اسلامی دارای دو استانداردگذار کلیدی بین‌المللی است:

۱. سازمان حسابداری و حسابرسی برای نهادهای مالی اسلامی (AAOIFI) که در سال ۱۹۹۰ برای وضع استانداردهای حسابداری و حسابرسی منطبق بر شریعت و همچنین وضع استانداردهای گزارش‌دهی مالی برای نهادهای مالی اسلامی تأسیس گردید و مرکز آن در بحرین قرار دارد.
۲. اداره خدمات مالی اسلامی (IFSB) که در سال ۲۰۰۲ برای وضع استانداردها و راهنماهای مقرراتی و نظارتی و نیز پیشبرد اجرای این استانداردها با همکاری مقامات مقررات‌گذار کشورها در مالزی تأسیس شد.



این دو نهاد توانسته‌اند در تعامل با کمیته بال و استانداردگذاران نظام مالی متعارف، گستره وسیعی از استانداردها و راهنماهای فنی لازم برای تضمین انسجام درونی و سازگاری با استانداردهای بال را تولید نمایند ( Hussain, Shahmoradi, & Turk, 2015, pp.4-5).

پیشنهاد تأسیس IFSB در سال ۲۰۰۰ در کنفرانس «نظارت بانکی اسلامی» در بحرین ارائه شد. بدین منظور مقرر شد کمیته موقتی متشکل از بانک‌های مرکزی بحرین، ایران، مالزی و سودان، در کنار IDB و IMF و AAOIFI تشکیل شود تا روی جزئیات تشکیل این نهاد جدید کار کنند. هدف تأسیس IFSB تشکیل یک نهاد مستقل و خودگردان به منظور وضع استانداردهای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی‌های اسلامی بود ( Chapra & Khan, 2000, p.63).

دهمین استاندارد از هفده استاندارد (http://www.ifsb.org/published.php) ارائه شده توسط این مؤسسه، یعنی «اصول راهنمای نظارت شرعی برای مؤسسات ارائه‌کننده خدمات مالی اسلامی»، دارای پنج بخش با عناوین زیر است: ۱. رویکرد کلی به نظام نظارت شرعی؛ ۲. صلاحیت - اعضای شورای شریعت؛ ۳. استقلال - شورای شریعت؛ ۴. محرمانگی - در فعالیت‌های شورای شریعت؛ ۵. سازگاری - در عملکرد شورای شریعت -

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی بر اساس توافقنامه همکاری میان مؤسسات مالی اسلامی در ۲۶ فوریه ۱۹۹۰ در الجزایر تأسیس شد و در ۲۷ مارس ۱۹۹۱ در بحرین به ثبت رسید. این سازمان مؤسسه‌ای بین‌المللی، غیردولتی و غیرانتفاعی است که تلاش می‌کند استانداردهای حسابداری، حسابرسی، حاکمیتی و اخلاقی برای بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی ارائه نماید. استانداردهای تهیه شده ([http://www.aaofii.com/en/standards-and-definitions/shari a-standards](http://www.aaofii.com/en/standards-and-definitions/shari-a-standards)) توسط این مؤسسه بسیار جزئی و کاربردی و با هدف اجرایی شدن در کشورهای عضو و غیرعضو تولید شده است که عبارت‌اند از:

- دستورات راهنما برای انطباق استانداردهای AAOIFI در مؤسسات مالی اسلامی؛
- اصول اخلاقی شامل ضوابط اخلاقی کارکنان و حسابداران مؤسسات مالی اسلامی؛
- استانداردهای راهبری (حکمرانی) شامل هفت استاندارد: «شورای نظارت شرعی:

- انتصاب، ترکیب و گزارش»، «بررسی شرعی»، «استقلال شورای نظارت شرعی» و ...؛
- استانداردهای حسابرسی شامل پنج استاندارد: «اهداف و اصول حسابرسی»، «گزارش حسابرسی»، «بررسی انطباق با اصول و قواعد شریعت توسط حسابرسی بیرونی» و ...؛
- استانداردهای حسابداری شامل ۲۶ استاندارد: «مراجه، تأمین مالی مضاربه، تأمین مالی مشارکت، افشای مبنای تخصیص سود بین مالکان و دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری، سلف و سلف موازی، اجاره و اجاره به شرط تملیک، استصناع و استصناع موازی، بیع نسبه، سرمایه‌گذاری در صکوک، سهام و ابزارهای مالی مشابه، سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات و ...؛
- استانداردهای شرعی شامل ۴۸ استاندارد: کارت‌های اعتباری و بدهی، نکول در بازپرداخت بدهی، تضامین، مشارکت (شرکت) و شرکت‌های نوین، خدمات بانکی، توزیع سود در حساب‌های سرمایه‌گذاری مضاربه، توزیع سود در حساب‌های سرمایه‌گذاری مضاربه، مدیریت نقدینگی و ... .

در نظام بانکداری متعارف، نهادهای متعددی به منظور طراحی استانداردها و ضوابط بانکداری به وجود آمده که در حوزه‌های مختلف حسابداری، مبارزه با پولشویی، حسابرسی، حکمرانی شرکتی، شفافیت و افشای اطلاعات، بیمه، نظام پرداخت و بازار اوراق مشتقه به وضع استاندارد می‌پردازند. در برخی از حوزه‌های مذکور، استانداردهایی متناسب با اقتضائات بانکداری اسلامی نیز تدوین شده است. جدول زیر، نهادهای استانداردگذار مربوط به نظام بانکداری متعارف در حوزه‌های مزبور و معادل آنها در نظام بانکداری اسلامی را به صورت خلاصه نمایش می‌دهد (Zulhibri & Ghazal, 2012, p.50).

جدول ۳: مقایسه نهادهای استانداردگذار در بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی

نهاد(های) مربوطه در نظام مالی اسلامی	نهاد(های) مربوطه در معماری مالی بین‌الملل متعارف	حوزه استانداردگذاری
AAOIFI	IASB, IFAC, BCBS	حسابداری
-	FATF	مبارزه با پولشویی
AAOIFI	IFAC	حسابرسی
AAOIFI, IFSB	OECD, Basel Committee, World Bank	حکمرانی شرکتی
-	IMF	انتشار اطلاعات
-	IMF	شفافیت بودجه‌ای
-	World Bank, UNCITRAL, IBA	نظام حقوق سپرده‌گذاران و اعسار بانکی
IFSB	IAIS	مقررات بیمه
-	IMF	سیاست‌های شفافیت پولی و مالی
-	CPSS	نظام‌های پرداخت
IFSB	IOSCO	مقررات بازار مشتقات

### جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی

در حال حاضر تصور عامه مردم آن است که کلیه عملیات بانکی که در ایران انجام می‌شود، به واسطه تصویب قوانین در مجلس و تأیید شورای نگهبان، منطبق بر شریعت است. این در حالی است که به دلیل نقص سازوکارهای اجرایی نمودن قانون عملیات بانکی بدون ربا و عدم تدوین نظام حسابداری متناسب با بانکداری بدون ربا در کنار نبود نهاد مسئول نظارت شرعی بر نظام بانکی، بانکداری اسلامی در ایران علی‌رغم پیشگامی به لحاظ زمانی، با مشکلات زیادی روبه‌روست.

برخی از این معضلات که به تفصیل در مقاله حاضر تشریح و اثبات گردید، عبارت‌اند از: عدم پایبندی بانک‌ها به لوازم وکالت و برخورد مالکانه با اموال وکالتی، محتوای از عقود مشارکتی و مبادله‌ای و استفاده صوری از آنها، عدم انطباق برخی ضوابط حسابداری بانک‌ها در بخش ارزی بر بانکداری بدون ربا، نبود روش مناسب برای امهال و جریمه تأخیر تسهیلات و برخی نواقص در ضوابط حسابداری صورت سود و زیان بانک‌ها. کلیه



## منابع و مأخذ

۱. اکبریان، رضا و حمید رفیعی؛ «بانکداری اسلامی، چالش‌های نظری - عملی و راهکارها»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۷، ش ۲۶، ۱۳۸۶.
۲. امانی، علی؛ «استاندارد حسابداری ویژه بانکداری بدون ربا ضروری است»؛ بانک و اقتصاد، ش ۷۸، ۱۳۸۵.
۳. باباجانی، جعفر و جعفر شکرخواه؛ «مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در ایران با تأکید بر عقود مشارکتی»؛ فصلنامه بورس اوراق بهادار، ش ۱۷، ۱۳۹۱.
۴. بخشنامه شماره ۹۴/۲۴۹۶۰۱ بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۰۲.
۵. بخشنامه شماره ۹۲/۲۰۶۵۴۶ بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۱.
۶. بخشنامه ۳۰۱۵/۶۸ بانک مرکزی مورخ ۱۳۶۵/۸/۱۸.
۷. بخشنامه شماره ۹۴/۳۴۳۷۲۳ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵.
۸. رزمی، محمدجواد، شکوفه‌سادات اشرف‌زاده، محمدرضا لطفعلی‌پور و مهدی فیضی؛ «بررسی نرخ وصول در قراردادهای مشارکتی و بازدهی ثابت»؛ نظریه‌های کاربردی اقتصاد، س ۳، ش ۱۱، ۱۳۹۵.
۹. روحانی، سیدعلی، سیدمهدی بنی‌طبا و مصطفی موفق یامی؛ «تحلیل انطباق عملیات و صورت‌های مالی بانک‌ها در بخش ارزی بر ضوابط بانکداری بدون ربا»؛ بیست و هفتمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۵.
۱۰. طوسی، ابو جعفر محمدبن حسن؛ المبسوط فی فقه الإمامیة؛ ج ۳، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق.
۱۱. عقیلی کرمانی، پرویز؛ «مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه بانکداری بدون ربا»؛ سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری، ۱۳۸۱.
۱۲. عیوضلو، حسین؛ «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۲۹، ۱۳۸۷.
۱۳. قانون عملیات بانکی بدون ربا، مصوب ۱۳۶۲.
۱۴. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

۱۵. قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. قرارداد مشارکت مدنی، مصوب ۱۳۹۲/۶/۲۶ شورای پول و اعتبار.
۱۷. قرارداد مضاربه، مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۹ شورای پول و اعتبار.
۱۸. قراردادهای سلف و جعاله، مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۲۷ شورای پول و اعتبار.
۱۹. موسویان، سیدعباس؛ «ارزیابی قراردادهای شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۹، ۱۳۸۴.
۲۰. \_\_\_\_\_؛ «مصادیق پنهان و آشکار ربا در نظام بانکی ایران»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۲، ش ۶، ۱۳۸۱.
۲۱. موسویان، سیدعباس، عادل آذر و حسین میثمی؛ «الگوی نظارت شرعی بر بانک‌های کشور بر اساس دیدگاه خبرگان بانکداری اسلامی»؛ پژوهش‌های پولی و بانکی، ش ۶۶، ۱۳۹۲.
۲۲. موسویان، سیدعباس و حسین میسمی؛ نظارت شرعی بر بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی - ارائه الگوی نظارتی برای نظام بانکی کشور بر اساس دیدگاه خبرگان؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳.
۲۳. میسمی، حسین و وهاب قلیچ؛ «آسیب‌شناسی اجرای بانکداری اسلامی در کشور: دلالت‌هایی برای تحول در نظام بانکی»؛ تازه‌های اقتصاد، ش ۱۳۲، ۱۳۹۰.
۲۴. نظرپور، محمدتقی و فرشته ملاکریمی؛ «بررسی قرارداد مشارکت مدنی بانک مرکزی از دید قواعد فقهی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱۵، ش ۵۷، ۱۳۹۴.
۲۵. نظرپور، محمدتقی، محمدرضا یوسفی و میمنت ابراهیمی؛ «بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱۱، ش ۴۳، ۱۳۹۰.
۲۶. هادوی تهرانی، مهدی؛ «چالش‌های بانکداری اسلامی»؛ تازه‌های اقتصاد، س ۱۰، ش ۱۳۶، ۱۳۹۱.

27. AAOIFI; "Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions"; (AAOIFI), 2010.

28. Chapra, U., & Khan, T.; **Regulation and Supervision of Islamic Banks**; Jeddah - Saudi Arabia: Islamic Development Bank (IDB), 2000.
29. Hussain, M., Shahmoradi, A., & Turk, R.; "An Overview of Islamic Finance"; **IMF Working Paper**, 2015.
30. IFSB; "Islamic Financial Services Industry Stability Report"; **Islamic Financial Services Board**, 2015.
31. Kammer, A., Norat, M., Piñón, M., Prasad, A., Towe, C., & Zeidane, Z.; "Islamic Finance: Opportunities, Challenges, and Policy Options"; **International Monetary Fund (IMF)**, 2015.
32. Mejía, A., Aljabrin, S., Awad, R., Norat, M., & Song, I.; "Regulation and Supervision of Islamic Banks"; **IMF Working Paper**, 2014.
33. Sarker, A.; "Concept and ideology, Issues and problems of Islamic banking"; **International Journal of Islamic Financial Services**, 1, 2004.
34. Zulkhibri Abdul Majid, M., & Ghazal, R.; "Comparative Analysis of Islamic Banking Supervision and Regulation Development"; **Money and Economy**, 6(3), 2012.